

نامه پولس به مسیحیان

🔑 غلاطیه

غلاطیه منطقه‌ای بود در آسیای صغیر (ترکیه فعلی). مسیحیان غلاطیه به اشتباه فکر می‌کردند که حفظ ظاهری قوانین و تشریفات مذهبی، انسان را رستگار می‌سازد. پولس آنها را از این اشتباه درمی‌آورد. او نشان می‌دهد که رستگاری از گناه با کوشش بشری بدست نمی‌آید، بلکه هدیه‌ای است که از خداوند به بشر می‌رسد.

از طرف من، پولس رسول، و تمام برادرانی که در اینجا با من می‌باشند، به کلیساهای ایالت غلاطیه. از درگاه خدای پدر، و خداوندان عیسی مسیح، طالب رحمت و آرامش برای شما هستم. اگر من خود را رسول می‌خوانم، منظورم آن نیست که یک گروه مذهبی یا هیئتی مرا بعنوان رسول بکار گمارده‌اند. رسالت و مأموریت من از جانب عیسی مسیح و خدای پدر است، خدایی که او را پس از مرگ زنده کرد.^۴ زیرا مسیح، به خواست پدر ما خدا، جان خود را فدا کرد و مُرد تا گناهان ما بخشیده شود و از این دنیای آلوده به گناه نجات یابیم.^۵ خدا را تا به ابد جلال و عزت باد! آمین.

راه رستگاری دیگری وجود ندارد

^۶ تعجب می‌کنم که شما به این زودی از خدا روگردان شده‌اید، از خدایی که از روی لطف و محبت خود، شما را دعوت کرده تا در حیات جاودانی که بوسیله مسیح عطا می‌کند، شریک باشید. شما می‌خواهید از «راه دیگری» به این نجات و حیات جاودانی دست یابید. اما این راهی که شما در پیش گرفته‌اید، هرگز به حیات جاوید نخواهد رسید.^۷ زیرا غیر از راهی که به شما اعلام کردیم، راه دیگری وجود ندارد. آنانی که راه دیگری به شما معرفی می‌کنند، می‌خواهند شما را فریب داده، حقیقت

انجیل مسیح را دگرگون کنند.^۸ اگر کسی بخواهد راه دیگری برای رستگاری به شما معرفی کند، بغیر از آن راهی که ما به شما اعلام کردیم، خدا او را لعنت کند، حتی اگر این شخص خود من باشم. اگر فرشته‌ای نیز از آسمان فرود آید و شما را بسوی راه دیگری هدایت کند، لعنت خدا بر او باد!^۹ باز تکرار می‌کنم: اگر کسی مژده نجات دیگری، غیر از آنچه که پذیرفته‌اید، به شما ارائه دهد، لعنت خدا بر او باد!^{۱۰} هدف من این نیست که با تملق و چاپلوسی، اعتماد شما را به خود جلب کنم. کوشش من خشنود ساختن خداست؛ اگر تابحال در پی جلب خشنودی مردم می‌بودم، هرگز نمی‌توانستم خدمتگزار واقعی مسیح باشم.

پولس، پیغام انجیل را از خدا آموخت

^{۱۱} ای برادران، خدا شاهد است که این راه نجات که من بشارت می‌دهم، زائیده فکر و خیال انسانی نیست.^{۱۲} زیرا خود عیسی مسیح مستقیماً آن را بر من آشکار و مکشوف ساخت. بلی، من آن را از هیچکس دریافت نکردم و از هیچ انسانی نیاموختم.^{۱۳} بدون شک سرگذشت مرا هنگامی که هنوز پیرو دین یهود بودم شنیده‌اید، که چگونه به تعقیب مسیحیان می‌پرداختم و ایشان را با بی‌رحمی شکنجه و آزار می‌دادم و همیشه در پی آن بودم که ریشه آنان

شود.

۴ البته مسئله ختنه را کسانی پیش کشیدند که خود را مسیحی می‌دانستند، اما در واقع مسیحی نبودند. ایشان برای جاسوسی آمده بودند تا دریابند که آزادی ما در عیسی مسیح چگونه است و ببینند که ما تا چه حد از شریعت یهود پیروی می‌کنیم. ایشان می‌کوشیدند که ما را برده احکام و قوانین خود سازند. ۵ اما ما حتی یک لحظه نیز به سخنان آنان گوش فرا ندادیم، زیرا نمی‌خواستیم فکر شما مغشوش شود و تصور کنید که برای نجات یافتن، ختنه و حفظ شریعت یهود ضروری است. ۶ رهبران بلند پایه کلیسا هم چیزی به محتوای پیغام من نیفزودند. درضمن، این را نیز بگویم که مقام و منصب آنان تأثیری به حال من ندارد، زیرا در نظر خدا همه برابرند. ۷ و ۸ بنابراین وقتی یعقوب و پطرس و یوحنا که به ستونهای کلیسا معروفند، دیدند که چگونه خدا مرا بکار گرفته تا غیریهودیان را بسوی او هدایت کنم، به من و برنابا دست دوستی دادند و ما را تشویق کردند تا به کار بشارت در میان غیریهودیان ادامه دهیم و آنان نیز به خدمت خود در میان یهودیان ادامه دهند. درواقع همان خدایی که مرا برای هدایت غیریهودیان بکار گرفته، پطرس را نیز برای هدایت یهودیان مقرر داشته است، زیرا خدا به هر یک از ما رسالت خاصی بخشیده است. ۱۰ فقط سفارش کردند که همیشه به فکر فقرای کلیسای آنان باشیم، که البته من نیز به انجام این کار علاقمند بودم.

سرزنش پطرس

۱۱ اما زمانی که پطرس به «انطاکیه» آمد، در حضور دیگران او را به سختی ملامت و سرزنش کردم، زیرا واقعاً مقصر بود؛ ۱۲ به این علت که وقتی به انطاکیه رسید، ابتدا با مسیحیان غیریهودی بر سر یک سفره می‌نشست. اما به محض اینکه عده‌ای از پیشوایان کلیسا از جانب یعقوب از اورشلیم آمدند، خود را کنار کشید و دیگر با غیریهودیان خوراک نخورد، چون می‌ترسید که این مسیحیان یهودی‌نژاد از این کار او ایراد بگیرند، و بگویند که چرا با افرادی که

را از زمین برکنم. ۱۴ من از بیشتر همسالان یهودی خود مؤمن‌تر بودم و نسبت به اجرای رسوم و سنت‌های مذهب تعصب زیادی داشتم. ۱۵ اما ناگهان همه چیز تغییر کرد! زیرا خدایی که مرا از شکم مادر برگزیده بود، از روی لطف و رحمتش، فرزند خود را بر من آشکار ساخت و او را به من شناساند تا بتوانم نزد اقوام غیریهودی رفته، راه نجات بوسیله عیسی مسیح را به ایشان بشارت دهم. وقتی این تغییر در من پدید آمد، با هیچکس در این باره سخن نگفتم. ۱۷ حتی به اورشلیم هم نرفتم تا با کسانی که پیش از من به رسالت برگزیده شده بودند، مشورت کنم. بلکه به بیابانهای عربستان رفتم، و پس از مدتی، به شهر «دمشق» بازگشتم. ۱۸ بعد از سه سال، سرانجام به اورشلیم رفتم تا با پطرس ملاقات کنم. در آنجا مدت پانزده روز با او بسر بردم. ۱۹ اما از سایر رسولان، فقط یعقوب، برادر خداوند ما عیسی مسیح را دیدم.

۲۰ خدا شاهد است آنچه که می‌نویسم عین حقیقت است. ۲۱ پس از این دیدار، به ایالتهای «سوریه» و «قیلیقیه» رفتم. ۲۲ اما مسیحیان یهودیه هنوز مرا ندیده بودند؛ ۲۳ فقط این را از دیگران شنیده بودند که: «دشمن سابق ما، اکنون همان ایمانی را بشارت می‌دهد که قبلاً در صدد نابودی آن بود.» ۲۴ و این تغییری که در من پدید آمده بود، سبب شد که خدا را تمجید و ستایش کنند.

رسولان پیغام پولس را تأیید کردند

۲ سپس، بعد از چهارده سال با «برنابا» باز به اورشلیم رفتم و «تیطوس» را نیز همراه خود بردم. ۲ رفتن من به دستور خدا بود تا درباره پیغامی که در میان اقوام غیریهودی اعلام می‌کنم، با برادران مسیحی خود مشورت و تبادل نظر نمایم. من بطور خصوصی با رهبران کلیسا گفتگو کردم تا ایشان از محتوای پیغام من دقیقاً اطلاع حاصل کنند، با این امید که آن را تأیید نمایند. ۳ خوشبختانه چنین نیز شد و ایشان مخالفتی نکردند، به طوری که حتی از همسفر من تیطوس نیز که غیریهودی بود، نخواستند که ختنه

بدن دارم، نتیجه ایمان من به فرزند خداست که مرا محبت نمود و خود را برای من فدا ساخت.^{۲۱} من از آن کسان نیستم که مرگ مسیح را رویدادی بی معنی تلقی می کنند. زیرا اگر نجات از راه اجرای شریعت و دستورهای مذهبی حاصل می شد، دیگر ضرورتی نداشت که مسیح جانش را برای ما فدا کند.

نجات فقط از راه ایمان

۳ ای غلاطیان نادان، کدام جادوگر اینچنین شما را افسون کرده است؟ مگر این شما نبودید که وقتی مرگ مسیح را برایتان تشریح کردم، آنچنان مجذوب شدید که گویی همان لحظه او را با چشم خود بر صلیب می دیدید؟^۲ بگذارید یک سؤال از شما بکنم: آیا شما روح القدس را از راه اجرای احکام شریعت یافتید، یا از راه شنیدن و ایمان آوردن به مژده انجیل؟^۳ چرا فکرتان را به کار نمی اندازید؟ شما که قبلاً با حفظ احکام مذهبی نتوانستید از نظر روحانی مقبول خدا گردید، چگونه تصور می کنید که اکنون از همان راه می توانید مسیحیان روحانی تری باشید؟^۴ شما که اینقدر زحمات را در راه انجیل متحمل شدید، آیا حالا می خواهید همه را دور بریزید؟ پس در واقع بیهوده زحمت کشیدید!

^۵ باز می خواهم از شما بپرسم که خدا به چه دلیل روح القدس را به شما عطا می کند و در میان شما معجزات انجام می دهد؟ آیا در اثر اینست که شما شریعت را حفظ می کنید؟ یقیناً نه! علت اینست که شما قبلاً به مسیح ایمان آورده اید.

^۶ در این مورد بگذارید «ابراهیم» را مثال بیاورم: خدا زمانی او را بی گناه به حساب آورد که به وعده های او ایمان آورد.^۷ از اینجا به این نکته پی می بریم که در نظر خدا، فقط ایمان ما مطرح است. در نتیجه، فرزندان واقعی ابراهیم آنانی هستند که به خدا ایمان حقیقی دارند.

^{۸،۹} علاوه بر این، در کتاب آسمانی پیش بینی شده بود که خدا غیریهودیان را نیز بر اساس ایمانشان خواهد پذیرفت. از اینرو، خدا در همان زمان در این مورد با ابراهیم سخن گفت و فرمود: «همه آنانی را که

شریعت یهود را نگاه نمی دارند، هم سفره شده است.^{۱۳} آنگاه سایر مسیحیان یهودی نژاد و حتی برنابا نیز از این مصلحت اندیشی پطرس تقلید کردند.

^{۱۴} هنگامی که متوجه این امر شدم و دیدم که ایشان چگونه برخلاف ایمان خود و حقیقت انجیل رفتار می کنند، در حضور همه به پطرس گفتم: «تو یهودی زاده هستی، اما مدت زیادی است که دیگر شریعت یهود را نگاه نمی داری. پس چرا حالا می خواهی این غیریهودیان را مجبور کنی تا شریعت و احکام یهود را انجام دهند؟^{۱۵} من و تو که یهودی زاده هستیم و نه غیریهودی گناهکار،^{۱۶} بخوبی می دانیم که انسان با اجرای احکام شریعت، هرگز در نظر خدا پاک و بی گناه به حساب نخواهد آمد، بلکه فقط با ایمان به عیسی مسیح، پاک و بی گناه محسوب خواهد شد. بنابراین، ما نیز به عیسی مسیح ایمان آوردیم تا از این راه مورد قبول خدا واقع شویم، نه از راه انجام شریعت یهود. زیرا هیچکس هرگز با حفظ احکام شریعت، نجات و رستگاری نخواهد یافت.»

^{۱۷} اما اگر برای نجات یافتن، به مسیح ایمان بیاوریم، ولی بعد متوجه شویم که کار اشتباهی کرده ایم و نجات بدون اجرای شریعت یهود بدست نمی آید، آنگاه چه خواهد شد؟ آیا باید تصور کنیم که مسیح باعث بدبختی ما شده است؟ امیدوارم کسی چنین فکری درباره مسیح نکند!^{۱۸} بلکه برعکس، اگر ما دوباره به عقاید کهنه خود بازگردیم و معتقد شویم که نجات از راه اجرای احکام شریعت حاصل می شود، مانند اینست که آنچه را که خراب کرده بودیم، دوباره بنا کنیم؛ در اینصورت بروشنی نشان داده ایم که خطا و تقصیر از خودمان می باشد.^{۱۹} زیرا من با مطالعه تورات بود که پی بردم با حفظ شریعت و دستورهای مذهبی هرگز مقبول خدا نخواهم شد، و فقط با ایمان به مسیح است که می توانم در حضور خدا بی گناه محسوب شوم.

^{۲۰} وقتی مسیح بر روی صلیب مصلوب شد، در حقیقت من نیز با او مصلوب شدم. پس دیگر من نیستم که زندگی می کنم، بلکه مسیح است که در من زندگی می کند! و این زندگی واقعی که اینک در این

این وعده‌ها را به «فرزندان» او خواهد داد، که منظور یهودیان باشد؛ بلکه فرمود که وعده‌ها را به فرزند او عطا خواهد کرد، که منظور عیسی مسیح است.^{۱۷} حال مقصودم اینست: وعده و پیمان خدا مبنی بر نجات بشر توسط ایمان، که خدا آن را نوشت و مهر کرد، بوسیله ده فرمان و شریعت که چهارصدوسی سال بعد از آن روی کار آمد، به هیچ وجه باطل نشد و تغییر نیافت.^{۱۸} اگر قرار می‌شد نجات از راه اجرای دستورهای مذهبی حاصل شود، مسلماً این روش نجات با روشی که ابراهیم از طریق آن مقبول خدا گشت، تفاوت پیدا می‌کرد. زیرا تنها کاری که ابراهیم انجام داد، پذیرفتن وعده خدا بود.

^{۱۹} پس در اینصورت، خدا شریعت را به چه علت عطا کرد؟ شریعت در واقع بعد از وعده‌های خدا عطا شد تا به انسان نشان دهد که احکام خدا را نگاه نمی‌دارد و گناهکار است. اما روش «شریعت» فقط تا زمان آمدن مسیح می‌بایست ادامه یابد، یعنی همان «فرزندی» که خدا به ابراهیم وعده داده بود. در اینجا فرق دیگری نیز وجود دارد: خدا شریعت و احکام خود را توسط فرشتگان به موسی عطا کرد تا او نیز آن را به مردم بدهد.^{۲۰} اما خدا وعده خود را به ابراهیم بطور مستقیم داد، بدون اینکه واسطه‌ای درکار باشد، واسطه‌ای مانند فرشتگان یا موسی.

^{۲۱} و ^{۲۲} پس به این ترتیب، آیا احکام خدا با وعده او متضاد است؟ هرگز! اگر ما می‌توانستیم با اجرای شریعت و احکام آن نجات بیابیم، دیگر لازم نبود که خدا راه دیگری برای آزادی از چنگال گناه به ما نشان دهد، زیرا کتاب آسمانی می‌فرماید که همه ما در چنگ گناه اسیریم. تنها راه آزادی برای همه ما اینست که به عیسی مسیح ایمان آوریم.

با ایمان، از شریعت آزاد و فرزند خدا

می‌شویم

^{۲۳} پیش از آمدن مسیح، همه ما در زندان موقت احکام و قوانین مذهبی بسر می‌بردیم، و تنها امید ما این بود که نجات‌دهنده ما عیسی مسیح بیاید و ما را رهایی بخشد.

مانند تو، به من ایمان داشته باشند، از هر ملتی که باشند، مورد عنایت خود قرار خواهم داد.» بنابراین، هر که به مسیح ایمان آورد، از همان برکت و لطف الهی که نصیب ابراهیم گردید، برخوردار خواهد شد.

^{۱۰} همچنین، کسانی که می‌خواهند بوسیله اجرای دستورهای شریعت نجات یابند، زیر لعنت خدا قرار دارند؛ زیرا در تورات چنین آمده است: «ملعون باد کسی که حتی یکی از دستورهای کتاب شریعت را بشکند.»^{۱۱} در نتیجه، روشن است که هیچکس نمی‌تواند از راه حفظ شریعت و قوانین مذهبی، مورد قبول خدا واقع شود. یکی از انبیاء نیز گفته است: «فقط کسی نجات می‌یابد که به خدا ایمان داشته باشد.»^{۱۲} اما روش «شریعت» با روش «ایمان» تفاوت بسیار دارد. مطابق روش «شریعت» انسان زمانی نجات می‌یابد که تمام احکام شریعت را بدون هیچ نقصی انجام دهد.^{۱۳} اما مسیح، لعنتی را که در اثر گناهان ما بوجود آمده بود، بر خود گرفت و ما را از هلاکتی که این روش «شریعت» پدید آورده بود، رهایی بخشید، روشی که انجامش غیرممکن بود. بلی، مسیح، لعنت ما را بر خود گرفت، زیرا در تورات آمده است: «ملعون است هر که به دار آویخته شود.» (عیسی مسیح نیز به دار صلیب آویخته شد.)

^{۱۴} اکنون خدا می‌تواند همان برکتی را که به ابراهیم وعده داده بود، بوسیله عیسی مسیح به غیریهودیان نیز عطا فرماید. اکنون همه ما مسیحیان می‌توانیم روح‌القدس موعود را از راه همین ایمان بدست آوریم.

شریعت نمی‌تواند وعده خدا را باطل سازد

^{۱۵} برادران عزیز، حتی در زندگی روزمره ما، اگر کسی پیمان و قرارداد امضاء کند و یا وصیتنامه‌ای تنظیم نماید، دیگر هیچکس نمی‌تواند آن را باطل کند و یا تغییری در آن بدهد.

^{۱۶} به همین ترتیب، خدا نیز به ابراهیم و به «فرزند» او وعده‌هایی داد. توجه داشته باشید که خدا نفرمود

بهرتر بگویم خدا شما را یافته است، چرا باز می‌خواهید بنده آن اصول ضعیف و بی‌فایده مذهب باشید تا با انجام آنها به آسمان راه یابید؟^{۱۰} آیا فکر می‌کنید با انجام تشریفات مذهبی در روزها و ماه‌ها و فصلها و سالهای مخصوص، می‌توانید مقبول خدا واقع شوید؟^{۱۱} با این راهی که در پیش گرفته‌اید، می‌ترسم تمام زحماتی که برای شما کشیده‌ام به هدر رفته باشد!

^{۱۲} و ^{۱۳} برادران عزیز خواهش می‌کنم درباره این موضوع مثل خود من فکر کنید، زیرا الان من از این قیدوبند به همان اندازه آزادم که شما در سابق بودید. در آن زمان، وقتی انجیل را به شما بشارت دادم، با وجود ضعفی که در بدنم داشتم، مرا خوار و حقیر نشمردید.^{۱۴} گرچه تحمل این ضعف بدنی من برای شما طاقت‌فرسا بود، با این حال از من بیزار نشدید، بلکه در عوض از من چنان استقبال و پذیرایی کردید که گویی فرشته‌ای از درگاه خدا یا حتی خود عیسی مسیح نزد شما آمده بود!^{۱۵} مطمئنم که شما در آن زمان حاضر بودید حتی چشمه‌ایان را درآورده، به من بدهید! آن روزهای فرخنده چه شد؟^{۱۶} اگر حقایق را می‌گویم، چرا مرا دشمن خود می‌دانید؟

^{۱۷} آن معلمین دروغین که می‌کوشند رضایت و توجه شما را جلب کنند، هیچ نیت خیری ندارند. تلاش آنان اینست که شما را از من جدا سازند تا شما به ایشان توجه بیشتری نشان دهید.^{۱۸} البته خوب است که با انگیزه‌ای درست، و قلبی صادق به شما توجه نشان دهند، اما به شرط آنکه در همه اوقات چنین باشند، نه فقط در حضور من!^{۱۹} ای فرزندان من، بار دیگر در وجود خود برای شما احساس درد می‌کنم، مانند مادری که درد زایمان او را فرا گرفته، تا شکل مسیح را به خود بگیرد!^{۲۰} چقدر آرزو می‌داشتم الان نزد شما بودم و با حالت دیگری با شما سخن می‌گفتم، زیرا واقعاً نمی‌دانم از این راه دور چه کاری از دستم برمی‌آید!

^{۲۴} اجازه بدهید این مطلب را طور دیگری شرح دهم: احکام الهی همچون لای بود که از ما مراقبت می‌کرد تا زمانی که مسیح بیاید و ما را از راه ایمان، مقبول خدا سازد.^{۲۵} اما اکنون که مسیح آمده، دیگر نیازی به لای یعنی احکام و شریعت نداریم.^{۲۶} زیرا همگی ما در اثر ایمان به عیسی مسیح فرزندان خدا می‌باشیم؛^{۲۷} و همه ما که تعمید گرفته‌ایم، جزئی از وجود مسیح شده‌ایم و مسیح را پوشیده‌ایم.^{۲۸} دیگر فرقی نمی‌کند که یهودی باشیم یا غیریهودی، غلام باشیم یا آزاد، مرد باشیم یا زن؛ زیرا همه ما مسیحیان در عیسی مسیح یکی هستیم؛^{۲۹} و اکنون که از آن مسیح شده‌ایم، فرزندان واقعی ابراهیم می‌باشیم و در نتیجه، تمام وعده‌هایی که خدا به ابراهیم داد، به ما نیز تعلق می‌گیرد.

۴ اما این را به یاد داشته باشید که اگر پدری به هنگام فوت، ارثی برای فرزند صغیر خود بجا گذارد، این فرزند تا پیش از رسیدن به سنی که پدرش تعیین کرده، باید تحت سرپرستی ولی و قیم بزرگ شود. او فرقی با غلام آن خانواده ندارد، هر چند که صاحب اصلی دارایی پدرش می‌باشد.

^۳ ما نیز پیش از آمدن مسیح، مانند فرزندان صغیر، غلام احکام و رسوم مذهبی بودیم، زیرا تصور می‌کردیم که آنها قادر به نجات ما می‌باشند.^۴ اما چون روزی که خدا تعیین کرده بود فرا رسید، او فرزندش را فرستاد تا بصورت یک یهودی از یک زن بدنیا بیاید،^۵ تا بهای آزادی ما را از قید اسارت شریعت بپردازد و ما را فرزندان خدا گرداند.^۶ پس حال چون فرزندان خدا هستیم، خدا روح فرزند خود را به قلبهای ما فرستاده تا بتوانیم او را واقعاً «پدر» بخوانیم.^۷ بنابراین دیگر غلام نیستیم بلکه فرزندان خدا می‌باشیم، و به همین علت وارث نیز هستیم و هر چه از آن خداست، به ما نیز تعلق دارد.

هشدار درباره انحراف

^۸ شما غیریهودیان، پیش از آنکه خدای حقیقی را بشناسید، خدایان خیالی خود یعنی بتها را بندگی می‌کردید.^۹ اما اکنون که خدای واقعی را یافته‌اید، یا

معنی واقعی شریعت و احکام

^{۲۱} ای فرزندان من، شما که فکر می‌کنید با اجرای احکام شریعت یهود می‌توان نجات یافت، چرا

نیستیم که غلام شریعت باشیم، بلکه فرزندان آزاد هستیم که بوسیله ایمان خود، مورد پسند خدا قرار گرفته‌ایم.

حفظ آزادی نجات

۵ پس، اکنون که مسیح شما را آزاد کرده است، بکشید آزاد بمانید و بار دیگر اسیر قید و بند شریعت نشوید.^۲ به آنچه می‌گوییم با دقت توجه نمایید: اگر تصور می‌کنید که با ختنه شدن و انجام احکام مذهبی می‌توانید مقبول خدا گردید، در آنصورت مسیح دیگر نمی‌تواند شما را رستگار سازد.^۳ باز تکرار می‌کنم هر که بخواهد با ختنه شدن، خدا را خشنود سازد، مجبور است بقیه احکام شریعت را نیز یک به یک حفظ کند، و گرنه محکوم به هلاکت ابدی است.^۴ اگر بخواهید با حفظ دستورهای مذهبی مقبول خدا شوید، مسیح برای شما هیچ فایده‌ای نخواهد داشت و از فیض و لطف الهی محروم خواهید ماند.

۵ و لیکن ما به یاری روح القدس، بسبب ایمانی که داریم، در حضور خدا بی‌گناه محسوب می‌شویم. برای ما که از مسیح حیات جاودانی یافته‌ایم، دیگر ختنه شدن یا نشدن اهمیتی ندارد. مهم آنست که ایمانی داشته باشیم که از آن محبت بجوشد.

۷ خوب پیشرفت می‌کردید! چه کسی اینچنین شما را از راه راست منحرف کرد؟^۸ بدون شک، این امر از جانب خدا نیست، چون او خودش شما را دعوت کرده تا بوسیله مسیح آزاد شوید.^۹ این کار یک نفر خرابکار است که مانند بُزِ گَر به میان شما آمده؛ و واضح است که یک بزِ گَر کافی است که تمام گله را مبتلا سازد.^{۱۰} مطمئنم خداوند شما را در خصوص این مطلب با من هم عقیده سازد. اما خدا این شخص خرابکار را، هر که می‌خواهد باشد، به سزای اعمالش خواهد رساند.

۱۱ اما بعضی می‌گویند که من خود به هنگام بشارت به مردم اعلام می‌کنم که ختنه شدن و انجام فرایض مذهبی، برای نجات ضروری است. اگر واقعاً چنین بود، دیگر اینقدر آزار نمی‌دیدم، زیرا واضح

نمی‌خواهید درک کنید معنی واقعی شریعت و مذهب یهود چیست؟^{۲۲} زیرا در باره ابراهیم می‌خوانیم که او دو پسر داشت، یکی از کنیز خود و دیگری از زن آزاد.^{۲۳} پسر کنیز بطور عادی متولد شد، اما پسر زن آزاد، بنا بر وعده مخصوص خدا تولد یافت.

۲۴ و ۲۵ این رویداد تاریخی، بیانگر دو روش است که از طریق آنها خدا انسان را مورد عنایت قرار می‌دهد. یکی از این دو روش، اعطاء احکام و شریعت است به موسی در کوه سینا. باید توجه داشت که اعراب، کوه سینا را «کوه هاجر» می‌نامند. در تشبیهی که آوردم، کنیز ابراهیم یعنی هاجر را مظهر شهر اورشلیم قرار دادم؛ این شهر همچون مادر یهودیان، و کانون روشی است که طبق آن فقط از طریق اجرای احکام شریعت می‌توان نجات یافت؛ و یهودیان که می‌کوشند از این روش پیروی کنند، همچون فرزندان این کنیز می‌باشند.^{۲۶} اما مادر ما و وطن ما، اورشلیم آسمانی است که کنیز و بنده شریعت نیست.

۲۷ از اینروست که «اشعیای» نبی از جانب خداوند فرمود:

«شاد باش ای زن نازا که هرگز نزاییده‌ای!

فریاد شادی برآور، ای تو که هرگز درد زایمان را نچشیده‌ای!

زیرا من به تو فرزندانی خواهم بخشید، که تعدادشان بیشتر از شمار فرزندان زن شوهردار خواهد بود!»

۲۸ ای برادران عزیز، من و شما مانند «اسحاق»، فرزندانی هستیم که بنا بر وعده خدا متولد شده‌ایم.^{۲۹} و همچنانکه اسحاق، پسر وعده، از دست «اسماعیل»، پسر کنیز، آزار می‌دید، ما نیز که از روح القدس از نو تولد یافته‌ایم، از دست آنانی که می‌خواهند شریعت یهود را بر ما تحمیل کنند، آزار می‌بینیم.^{۳۰} اما در کتاب آسمانی می‌خوانیم که خدا به ابراهیم فرمود که کنیز و پسرش را از خانه بیرون کند، زیرا پسر کنیز نمی‌تواند مانند پسر زن آزاد، از دارایی ابراهیم ارث ببرد.

۳۱ خلاصه، ای برادران عزیز، ما فرزندان کنیز

۲۰ بت پرستی و جادوگری و احضار ارواح؛ دشمنی و دو بهم زنی؛ کینه توزی و خشم؛ خودخواهی و نفع طلبی، شکایت و انتقاد و بهانه جویی؛ در اشتباه دانستن دیگران و بر حق شمردن خود و اعضای گروه خود؛ ۲۱ حسادت و آدم کشی؛ مستی و عیاشی و چیزهایی از این قبیل. همانطور که قبلاً هم اشاره کردم، باز تکرار می‌کنم هر که این چنین زندگی کند، هرگز در ملکوت خدا جایی نخواهد داشت.

۲۲ اما هرگاه روح خدا زندگی ما را هدایت فرماید، این ثمرات را در زندگی ما بوجود خواهد آورد: محبت، شادی، آرامش، بردباری، مهربانی، نیکوکاری، وفاداری، فروتنی و خویشتنداری. ۲۳ هیچیک از این صفات پسندیده، تضادی با احکام مذهبی و شریعت یهود ندارند.

۲۴ آنانی که از آن مسیح می‌باشند، امیال نفسانی و هوسهای ناپاک خود را بر صلیب مسیح می‌خکوب کرده‌اند.

۲۵ اگر اکنون با قدرت روح خدا زندگی می‌کنیم، لازم است که هدایت او را در تمام قسمت‌های زندگی خود بپذیریم. ۲۶ در اینصورت، دیگر جاه طلب و شهرت طلب نخواهیم بود و در نتیجه، یکدیگر را نخواهیم رنجاند و به یکدیگر حسادت نخواهیم ورزید.

محبت، قانون مسیح است

۶ برادران عزیز، اگر از یک ایماندار خطایی سر بزند، شما که روحانی تر هستید با کمال فروتنی او را به راه راست بازگردانید؛ این را به یاد داشته باشید که در آینده ممکن است شما نیز دچار وسوسه و خطا شوید. ۲ در مشکلات و مسایل یکدیگر شریک باشید و به این وسیله «شریعت مسیح» را اجرا کنید. ۳ اگر کسی خود را چنان بزرگ می‌پندارد که نمی‌خواهد به این امر گردن نهد، خود را فریب می‌دهد. چنین شخصی را نمی‌توان ایماندار واقعی دانست.

۴ هرکس وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهد؛ آنگاه از کار خود رضایت حاصل خواهد کرد و دیگر

است که هیچکس از این نوع پیغام نمی‌رنجد. اما آزاری که می‌بینم، نشان می‌دهد که هنوز هم به «نجات، توسط ایمان به صلیب مسیح» موعظه می‌کنم.

۱۲ ای کاش آنانی که فکر شما را مضطرب می‌سازند و می‌خواهند شما «ختنه» شوید، رابطه خود را با شما بکلی «قطع می‌کردند» و دیگر کاری به کارتان نمی‌داشتند.

۱۳ برادران عزیز، خدا به شما آزادی عطا کرده است، اما آزادی نه برای پیروی از خواسته‌های نفستان، بلکه برای محبت کردن و خدمت کردن به یکدیگر. ۱۴ زیرا تمام دستورهای خدا، در این دستور خلاصه می‌شود که: «دیگران را دوست بدار، به همان اندازه که خود را دوست می‌داری.» ۱۵ اما مواظب باشید بجای محبت کردن، مدام در حال ایراد گرفتن و زخم زبان زدن به یکدیگر نباشید، مبدا لطمه‌ای جبران‌ناپذیر به یکدیگر وارد آورید.

زندگی آزاد بوسیله روح خدا

۱۶ از اینرو، به شما توصیه می‌کنم که از اوامر روح خدا پیروی کنید؛ او به شما خواهد آموخت که چه بکنید و کجا بروید. در اینصورت دیگر برده امیال نفس سرکش خود نخواهید بود. ۱۷ زیرا ما انسانها، بطور طبیعی دوست داریم امیال نفسانی خود را بجا آوریم، امیالی که مخالف اراده و خواست روح خداست. برعکس، هرگاه می‌خواهیم از اوامر روح خدا پیروی کنیم و خواست او را بجا بیاوریم، امیال طبیعی ما به مخالفت با آنها می‌پردازد. این دو نیرو، مدام در ما در حال کشمکش هستند و می‌کوشند بر اراده ما مسلط شوند. در نتیجه، هرکاری بخواهیم انجام دهیم، از تأثیر این نیروها خالی نیست. ۱۸ اما هرگاه روح خدا شما را هدایت کند، دیگر لازم نخواهد بود برای انجام دستورهای خدا، به خود فشار بیاورید.

۱۹ هنگامی که از امیال و خواسته‌های نادرست خود پیروی می‌کنید، این گناهان وارد زندگی شما می‌شوند: زنا و انحرافات جنسی و بی‌عفتی؛

شهرت و احترامشان لطمه‌ای وارد نشود و از زحمت و آزاری که در اثر اعتقاد به «نجات از طریق صلیب مسیح» متوجه آنان می‌شود، در امان باشند. ^{۱۳} اینگونه معلمین خودشان ختنه شده‌اند، اما حاضر نیستند سایر احکام شریعت را رعایت کنند؛ و فقط می‌خواهند که شما نیز ختنه شوید تا بدین وسیله افتخار کنند که شما را مرید خود ساخته‌اند.

^{۱۴} اما خدا نکند که من به اینگونه مسایل افتخار کنم. تنها افتخار من، همانا صلیب خداوند ما عیسی مسیح است. بلی، بسبب همین صلیب، تمام دلبستگی‌هایی که در این دنیا داشتم، مصلوب شد و از بین رفت و من نیز نسبت به گرایشهای دنیا مصلوب شدم و مردم. ^{۱۵} حال، مهم نیست که ختنه شده‌ایم یا نه. تنها چیزی که مهم است، اینست که آیا واقعاً دگرگون شده‌ایم و انسان جدیدی گردیده‌ایم؟ ^{۱۶} آرامش و رحمت الهی نصیب تمام کسانی باشد که به این شیوه رفتار می‌کنند، که اینان قوم واقعی خدا هستند.

^{۱۷} دیگر از این پس درباره‌ی این موضوعات با من بحث نکنید! تحمل زخمهایی که دشمنان عیسی خداوند در بدن من ایجاد کرده‌اند، کافی است. همین زخمها نشان می‌دهد که من خدمتگزار او هستم. ^{۱۸} برادران عزیزم، فیض خداوند ما عیسی مسیح با روح همه‌ی شما باد. آمین.

نیازی نخواهد داشت که خود را با دیگران مقایسه کند؛ ^۵ زیرا هر یک از ما، مسئول اعمال و کردار خود می‌باشد.

^۶ آنانی که از کلام خدا تعلیم می‌بینند، موظفند به معلم خود پاداش خوبی بدهند.

هر چه بکاریم، همان را درو می‌کنیم

^۷ اشتباه نکنید، هیچکس نمی‌تواند خدا را بفربید؛ هیچکس از مکافات الهی در امان نخواهد بود؛ زیرا هرکس هر چه بکارد، همان را درو خواهد نمود. ^۸ اگر کسی تخم هوی و هوس خود را بکارد، فساد و نابودی روح خود را درو خواهد کرد؛ اما اگر بذر اعمال نیک روحانی را بکارد، از روح خدا حیات جاودانی را درو خواهد کرد. ^۹ پس ای برادران، از انجام کار نیک خسته نشویم، زیرا بزودی پاداش خود را درو خواهیم کرد، بشرطی که دست از کار نکشیم. ^{۱۰} بنابراین، تا جایی که می‌توانیم، در حق مردم، بخصوص مسیحیان مؤمن، نیکی بنماییم.

گفتار پایانی

^{۱۱} در خاتمه، می‌خواهم چند کلمه‌ای هم با دست خودم بنویسم. ببینید با چه حروف درشتی این مطالب را می‌نویسم! ^{۱۲} کسانی که می‌کوشند شما را وادار کنند که ختنه شوید، فقط یک انگیزه دارند: اینکه به